

تحقیق در باره

هزاره‌ها و هزارستان

تألیف: دکتر محمد رفیع گلزار

ترجمه: اکرم گیزابی

تاریخی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی

تحقیق در باره هزاره‌ها و هزارستان

ترجمه اکرم گیزابی

نگاهی کلی و انتقادی بر «افغانستان در مسیر تاریخ»

مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان

تحقیق در باره

هزاره‌ها و هزارستان

(گزارش کمیسر سرمدی افغان و انگلیس)

تألیف: گروهی از نظامیان انگلیسی

ترجمه: اکرم گیزابی

اشاره

قسمت اول این ترجمه که در واقع مقدمه کتاب بود در شماره پنجم سراج به چاپ رسید و آنچه اکنون می‌خوانید بخش اول آن درباره «هزاره‌های بهسود» و بخش دوم آن درباره هزاره‌های... است. قابل یادآوری است که قسمت اول این ترجمه توسط یکی از هموطنان پژوهشگر ما بطور مفصل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که امیدواریم در شماره آینده این نقد را در اختیار خوانندگان عزیز قرار بدهیم و همچنین امیدواریم که بتوانیم این ترجمه را پس از تکمیل شدن حروفچینی و مقابله و تصحیح، بطور کامل و به صورت یک کتاب به چاپ برسانیم.

(سراج)

هزاره‌های بهسود^۱

منطقه بهسود

منطقه بهسود در انتهای شرقی هزاره‌جات واقع است که تمام حوزه‌علیای هلمند و شمال گردن دیوال را که شامل خویش^۲ نیز می‌شود، در بر می‌گیرد. کوه بابا در شمال، بهسود را از بامیان جدا می‌سازد. در غرب سربولاق (Sar-i-Bulak) و تمام سرزمین غربی حوزه آن دره و شاید بیشتر

۱. تهیه شده توسط پی. جی. میتلند (Lieutenant-Colonel P. J. Mitland) عمدتاً از راپور دفته‌دار

محمد اکبر خان سواره نظام ۱۵ بنگال (گروه اطلاعات هیئت سرحدی افغان).

۲. قول خویش. (یزدانی).

از آن نیز به بهسود تعلق داشته باشد. سرحد بین بهسود و دایزنگی، راه دولت یار - هرات را در چهار کیلومتری غرب قریه مارخانه قطع می‌کند. قریه بنشوی [بندشوی] در شمال راه و دره بنشوی به بهسود تعلق دارد. سرزمین جنوب شاهراه هنوز هم تقریباً ناشناخته است ولی سرحد بهسود در جنوب تا فاصله قابل ملاحظه‌ای دوام می‌کند و شامل مناطق طوایف جرغی و بورجیگی می‌شود که تحت اداره سلطان محمد بیگ است. سرحد جنوبی شامل حوزه ارغنداب و یا حوزه جهیل ناور و دریای غزنی می‌شود. راه غزنی به کوتل زرد سنگ کوه بابا در قسمت کوتل کرناله [Karnála] قرناله، جایی که طایفه بوالحسن شروع می‌شود، سرحد جنوب بهسود را قطع می‌کند. بظرف شمال بعد از گذشتن از دریای خواد، بین خواد بوالحسن و خواد وردک حوزه بین هلمند و دریای کابل سرحد بهسود را تشکیل می‌دهد. راه قافله‌رو کابل به ترکستان در کوتل اونی این سرحد را قطع می‌کند. از آنجا به دور سربند هلمند پیچیده و همچنان شامل خویش می‌شود که در فوق دره ترکمن قرار داشته و آب آن از طریق دره ترکمن به دریای غوربند می‌ریزد.

مساحت و ارتفاع

طول این سرزمین از شرق به غرب در حدود ۹۶ کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب تقریباً ۸۰ کیلومتر است. مساحت آن در حدود ۴۱۶۰ کیلومتر مربع بوده و حد اوسط ارتفاع آن باید ۳۰۳۰ متر باشد. در راه غزنی به کوتل زرد سنگ که منطقه بهسود را از جنوب شرق به شمال غرب قطع می‌کند، تنها یک منطقه استراحتگاه از ۳۰۳۰ متر ارتفاع کمتر دارد. در حالیکه پست‌ترین نقطه در قسمت تقاطع هلمند واقع است که در حدود ۳۶۳۶ متر ارتفاع دارد، کوتلهای عمده از ۳۳۵۰ متر بلندتر است. بطور مثال حوزه بین هلمند و خواد ۳۳۵۵ متر ارتفاع دارد. (جهت اطلاع از ارتفاعات این راه رجوع شود به راه XX مجموعه کابل).

واضحاً تمام منقطه و در مجموع هزاره‌جات مرتفع است ولی به مشکل می‌توان آن را کوهستانی دانست بدین معنی که کوهها ارتفاع زیاد نداشته، سنگی نبوده و دارای سراسیمی تند نیستند. اینجا و آنجا قله‌ها و یا برآمدگیهای سنگی مشاهده می‌شود اما بطور عموم تپه‌های این منطقه مانند تمام تپه‌هایی است که در سرزمین هزاره‌ها عمومیت دارد.

ببسود حاصلخیزترین منطقه هزاره‌جات تلقی می‌شود. مقدار زیاد گندم و جو تولید می‌گردد اما تعداد نفوس برای مساحت و طبیعت آن بقدری زیاد است که به مشکل می‌تواند مقدار کمی اضافه محصول بدست آید. جواری هندی و حبوبات معمول مانند مُشنگ^۱

۱. مُشنگ: در ایران به آن نخود فرنگی گویند، از ماش اندکی بزرگتر است. در افغانستان از آن «دال» درست می‌کنند که غذای مقوی و خوشمزه است. (یزدانی)

شاخل^۱ برای خوراک حیوانات و غیره، باقلی و زردک هم زرع می شود. دو نوع جو وجود دارد، کل جو و جو مویه. برای قلبه و حمل و نقل مانند دیگر مناطق از گار نر استفاده می شود. داشتن مرکب [الاع] معمول است ولی اسب به تعداد زیاد وجود ندارد. شتر در بهسود نیست ولی مردم تعداد زیاد گوسفند و بز تربیت می کنند. پوست گوسفند برای پوستین و همچنان روغن از اقلام صادراتی است. روغن بهسود بهترین نوع خود در افغانستان است و در دربار امیر فقط همین نوع روغن بکار می رود. قروت هم از شیر گوسفند ساخته می شود.

برک در بهسود ساخته می شود ولی نسبت به نوع دایزنگی آن پست تر است. همچنان جوال، نمد و ریسمانهای پشمی نیز بافته می شود.

بهسودیهها مانند دیگر هزاره ها در کلبه ها و رهبرانشان در قلعه های گلی زندگی می کنند. تعداد معدودی از آنان در تابستان به ییلاق می روند. بدون شک مقدار زیاد سبزه وجود دارد که تا خزان دوام می کند. ولی این سرزمین بطور کلی فاقد درخت است. هیچ نوع درخت میوه وجود ندارد. ارتفاع این سرزمین برای نموی [..] درختان میوه واضحاً بسیار زیاد است. بعضاً در امتداد راهها درختان بید و چنار دیده می شود اما قلت چوب زیاد بوده و چوب سوخت به مشکل یافت می شود. طبق معمول مواد سوخت از بوته بدست می آید که برای مصرف زمستان ذخیره می گردد.

اقلیم و برداشت محصول

اقلیم بهسود طبیعتاً در دوران زمستان بسیار سرد است و تشابه زیادی با شمال دایکندی دارد. برف به ضخامت چندین فوت و حتی در دره ها باریده و برای مدت طولانی باقی می ماند. تمام منطقه از ماه قوس تا حمل بشمول سالهای نسبتاً متوسط غیر قابل عبور است. در تابستان و خزان هوا خوب و برای اروپاییان خوش آیند است. برداشت حاصل قبل از اوایل میزان صورت نمی گیرد و هیچگاه بیش از یک محصول بدست نمی آید.

راهها

راههای متعدد و عمده ای از بهسود می گذرد. اولین راه قاندهرو کابل از طریق بامیان به ترکستان از قسمت شرقی بهسود می گذرد، این راه از کوتل اونی داخل بهسود گردیده و از کوتل های حاجی گل [آجه گگ] و عراق [عراق بامیان] خارج می گردد. این راه در زمره راههای کابل شماره (XIV) دارد. راه دوم راه کابل - هرات از طریق دولت یار است که از راه کابل - بامیان بعد از آنکه

۱. شاخل: یکی از حیویات سمی و روغنی است که بیشتر به چهارپایان می خوراندند. زیاد خوراندن آن به چهارپایان نیز خالی از ضرر نیست و بر سلسله اعصاب حیوان تأثیر سوء می گذارد. (یزدانی)

این راه وارد منطقه بهسود شد، جدا می‌گردد و از طریق باد آسیا بطرف غرب دوام می‌کند. در قدیم این راه از راه بامیان در گردن دیوال جدا می‌شد و تا چند مایل به امتداد هلمند دوام می‌کرد. هر دو راه کهنه و نو در حصه باد آسیا یکجا می‌شود. رجوع شود به مجموعه راههای «کابل» شماره‌های (XIX) و (XIXA). بالاخره راه غزنی به بند امیر و از آنجا از طریق دره صوف به مزارشریف می‌رود، این راه در قسمت غربی بهسود گذشته به کوتل کرناله وارد گردیده و از کونل زردسنگ (ارتفاع ۴۰۳۰ متر) کوه بابا خارج می‌شود. رجوع شود به راه شماره (XX) راههای «کابل». در راه اولی راههایی است که می‌تواند با مشکلات برای عبور توپخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمام راهها در دوران زمستان مسدود است.

تاریخ

در دوران شاهان درانی بهسود تقریباً مستقل بوده و توسط رهبران آن منطقه اداره می‌شد. میسن (Masson) در دوران دوست محمد خان اهمیتی را که بهسود بین کابل و شمالی‌ترین منطقه آن وقتش یعنی بامیان قرار داشت، تشریح می‌کند. بهسودها در آن وقت تحت یک رهبر توانا و قدرتمند به نام میر یزدان بخش باهم متحد شده بودند. مالیه آنان توسط والی بامیان که شخص بی‌پرنسیپی به نام حاجی خان کاکر بود جمع‌آوری می‌گردید. میسن حاجی خان را که در رأس قوای قابل توجهی برای جمع‌آوری مالیه از بهسود می‌گذشت، همراهی نمود. میر یزدان بخش به حاجی خان در این سفر صادقانه کمک نمود. با وجود آن، رهبر بخت برگشته بعداً توقیف شده و در بامیان به قتل رسید. واقعت این بود که میر یزدان بخش بیش از آن قدر تمند بود که توسط دوست محمد و یا حاجی خان تحمل شود و از بین بردن وی قبلاً توسط آنان طرح‌ریزی شده بود. بهسودها هیچگاه از این ضربه به حال نیامدند. امیر شیر علی خان آنان را بکلی مطیع نمود.

توضیح میسن از سفرش به بهسود و اقدامات حاجی خان کاکر خواندنی است و می‌توان آنرا در کتاب وی به نام «داستانهای سفرهای مختلف به بلوچستان، افغانستان و پنجاب» جلد دوم فصلهای سیزده تا هیجده یافت.^{۱*}

1. "Narrative of Various Journs in Baluchistan, Afghanistan and the Punjab," Volume II, Chapters XIII to XVIII.

* این قسمت از کتاب نریسنده توسط مترجم به فارسی ترجمه شده و به حیث رساله جداگانه‌ای تحت عنوان «میر یزدان بخش» در پاکستان به چاپ رسیده است. (مترجم)

در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) نشان می دهد

ملاحظات	موقعیت	رهبران	تعداد خانه‌وار یا قاضی	شاخه‌ها یا شعب طوایف	طوایف
میر حیدر علی رهبر طایفه بود ولی در سال ۱۲۶۴ هجری شمسی در گال دستگیر گردید و برادر وی طاماس (طهماسب) بیگ امور قبیله را به پیش می برد	سیاه سنگ در چندین منطقه متفرقند گردن دیوال کجو در امتداد هلمند در ویشان، میر کجو و غنیه دولت یار چوکنه چی Chaokuni ؟ تیزک خویش	میر حیدر علی میر حیدر علی میر یوسف بیگ صاحب اختیار نجف طاماس بیگ برادر میر حیدر علی صاحب اختیار علی مرغان صاحب اختیار علی مرغان صاحب اختیار علی مرغان صاحب اختیار علی مرغان صاحب اختیار غلام حیدر	۵۱۰ ۵۲۰ ۲۵۰ ۴۰۰ ۲۸۰ ۳۷۰ ۲۰۰ ۱۹۰ ۳۰۰ ۵۰۰ ۳۷۵	سیاه سنگی ولیمه Wulima گردن دیوال خالق در ویشان دوستدار یا دولت‌نار چوکنه میر یسجه تیزک خویش مجموع	I دولت‌ناری
علی پناه وکیل سر کجو رهبر این طایفه است	پای هلمند و کجو بادآسیا، کجو به امتداد دریای هلمند بادآسیا و کجو کلان ده، سر سرخ آباد و بادآسیا	صاحب اختیار میر زابگ ؟ ؟ ؟	۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۸۰۰ ۲۲۰۰ ۲۰۰ ۱۲۰ ۳۰۰	قبر علی عبدل آته کردی بیان Bajan چوکی میر چهل تن مجموع	II درویش علی
این قسمت و یا شاخه بلوط Bilot است که رهبر آن آقا علی بیگ در بهسود می باشد. شاخه طایفه باتور جنا زندگی می کند و کم	سنگ شاده پشت‌باد آسیا دیوال قول	آقا علی بیگ آقا علی بیگ			

<p>ویش مستقل است. آنان میرفتح خان رهبر خود بوالحسن را به رسمیت می‌تنامند</p> <p>این قسمت و یا شاخهٔ جلیل است که رهبر آن میرحسن می‌باشد.</p>	<p>در قسمت اجریستان، در ناحیهٔ هزاره‌های مستقل و در نزدیک هزاره‌های جوغی.</p> <p>راقول و دیوال قول</p> <p>راقول و پشت باداسیا</p> <p>راقول و سنگ شانه</p>	<p>مباحث اخبار قائم علی</p> <p>میرحسن و عاشور</p>	<p>۳۳۵</p> <p>۲۰۰</p> <p>۲۰۰</p> <p>۲۰۰</p> <p>۱۵۵۵</p> <p>۳۶۰</p>	<p>III</p> <p>ایسام یا ایسام تیمور</p>
<p>میر نازاند این طایفه شاید یکی از شعبات فرعی ایسام تیمور باشد.</p> <p>نجف و محمد اسمین رهبری کوه بیرون را بین خود تقسیم کرده‌اند آنان هم چنان ۴۲۰ خانوادهٔ قیشوم [قیستان] را در تحت اداره خویش دارند میرمحمد حسین رهبر دو شاخهٔ کوچک است که از کوه بیرونی ها جدا می‌باشند.</p>	<p>سرسنگ شانه، هشت درخته، میانگی ده و سن سنگ.</p> <p>کوه بیرون بین هلند و هند بابا</p> <p>موشک (Mushak) و پای کوتل</p>	<p>محمد علی مردان</p> <p>و خدایحش</p> <p>میرزا نجف بیگ</p> <p>و محمداسمین که گفته می‌شود با هم برادرند</p> <p>ملا یعقوب</p> <p>محمد علی</p> <p>مجموع</p>	<p>۸۰۰</p> <p>۱۰۰</p> <p>۱۰۰</p> <p>۱۰۰۰</p>	<p>IV</p> <p>موزه Mizah</p>
<p>میر ایام بیگ چیره خانه رهبر این دو شاخه</p>	<p>زرقاته و سوخته جنگل (سوخته جنگل مجاور زرقاته است)</p>	<p>میر ایام بیگ</p>	<p>۱۰۰</p>	<p>V</p> <p>نوروز</p>

میر خانی داد سلطان کلان دہ بزرگ این دو طائفہ است.	<p>Dahan-i-Mao</p> <p>دھان نو</p> <p>قول چارنو</p> <p>سرگرمادو</p> <p>در کلان دہ نو امتداد ہلند</p> <p>تمام سرخ آباد پایزد، ہوشک، کھنک و اسفی سنگ</p> <p>Isfi Seng</p>	<p>۶۰</p> <p>۸۰</p> <p>۱۲۰</p> <p>۱۵۰</p> <p>۱۳۰</p> <p>۵۰۰</p> <p>۷۰۰</p>	<p>؟</p> <p>آقسقال نظر محمد</p> <p>آقسقال صفریگ</p> <p>آقسقال قنبر محمد</p> <p>عاقی بد سلطان صاحبہ اختر</p> <p>عاقی بد سلطان صاحبہ اختر</p>	<p>X</p> <p>راموز</p> <p>XI</p> <p>نامردہ</p>
---	--	--	---	---

جمع بندی

۲۲۰۰ فامیل

۳۹۰ فامیل

۹۰۰ فامیل

۱۵۵۰ فامیل

۵۰۰ فامیل

درورش

میزہ

پنسوم [پنسان]

پورچیگی

راموز

۳۷۵۰ فامیل

۱۵۵۰ فامیل

۱۰۰۰ فامیل

۱۱۱۰ فامیل

۱۳۲۰ فامیل

۷۰۰ فامیل

دولت بای

ایسام تمور

نوروز

بو الحسن

جمرغی

نامردہ

۱۴۹۷۰ فامیل و ریاحلدو ۵۰۰۰۰ نفر

مجموع

به علاوه طوایف فوق دو طایفهٔ دیگر به نام جرغی اوسی محمد Jirghai Usi Moh. [احتمالاً وصی محمد] و دایه وجود دارد که مستقل بوده و در خارج بهسود در پس‌کوه Pas-i-Koh زندگی می‌کنند. از آنان در قسمت هزاره‌های مستقل یاد شده است.

بهسودها در خواص، لباس و عادات شباهت زیادی به دیگر هزاره دارند و ضرورت به توضیح مخصوص دیده نمی‌شود. آنان مردمان ساده، فقیر و غیرجنگجو هستند، تعدادی در کابل و پنجاب برای پیدا کردن کار می‌روند ولی تقریباً همهٔ آنها برای گذراندن تابستان به سرزمین خویش برمی‌گردند. آنان تعداد کمی سلاح و اسب در اختیار دارند.

مردمان نوروز، کوه بیرون در بین بهسودها استثنایی را تشکیل می‌دهند زیرا از نظر داشتن جسم قوی و شجاعت فردی معروف بوده و به حکومت پشتون وفادارند. ولی با دیگر هزاره‌ها میانهٔ خوبی ندارند چون بعضاً برای سرکوبی آنان استخدام شده‌اند.

کوه بیرونی‌ها بحیث سوارکاران فوق‌العاده خوبی شناخته شده‌اند و بعضی از آنان در خرید و فروش اسب مصروف بوده و اسبهایی برای امیر از ترکستان و ماورای آمو آورده‌اند.

اداره

بهسود قسمت منظم ولایت کابل بوده و تحت ادارهٔ نایب می‌باشد که از طرف یک قاضی و تعدادی مأمورین دیگر کمک می‌شود. دفتر نام نهاد نایب در گردن دیوال است ولی محمدحسین خان قزلباش که در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) نایب بود در کابل زندگی می‌کرد و تنها برای سه و یا چهار ماه در تابستان به منطقه‌اش برای جمع‌آوری مالیه سفر می‌کرد. در این سفر وی بادو تولی منظم پیاده و تعدادی سوار همراهی می‌شد.

میرها و رهبران بهسود تمام قدرشان را از دست داده و نفوذشان در هر ساحه بقدر امکان پایین آورده شده است. طوری که از لیست قبلی معلوم می‌شود سیاست معمول توقیف رهبران در کابل تعقیب شده است. منطقه به ده دسته^۱ یا قسمت تقسیم شده و هر قسمت آن به مأموری که توسط نایب مقرر گردیده تعلق دارد. در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) تقریباً تمام این مأمورین قزلباش و بستگان نایب بودند. این دسته‌ها و نامهای افراد مسؤول آن طوری که در ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) شناسایی شده بودند، قرار ذیل می‌باشند:

۱- باد آسیا، کچو، درویش علی مصطفی خان ۲- راقول، باب که آخوندزاده امیر محمد

۳- ایسام تمور، سنگ شانده، دیوان قول غلام رضاخان ۴- مرگ فتح محمدخان

۵- گردن دیوان غلام حیدرخان برادرزاده نایب

۶- خواد بوالحسن محمدحسن خان

۱. طوری که دیده می‌شود در متن انگلیسی آن دسته ذکر گردیده بود که به این ترتیب نقل می‌شود. (مترجم)

۷- گرماب، شاه‌جری، بورجیگی

محمد هادی خان

۸- قوم دهقان، جرعی

میرزایابا

۹- نصف کوتل موشک، کته‌خاک، دامرده گان

محمد افضل خان

۱۰- کوه بیرون، ملک‌راموز، نصف کوتل موشک

سید میر

مأموران خورد رتبه‌ای که مسؤول این دسته‌ها هستند مراقبت شدید از منطقه‌شان به عمل آورده و حرکات افراد ناشناس را با جریانات منطقه‌شان راپور می‌دهند. این ترتیبات از سال ۱۸۸۲ میلادی (۱۲۶۱ هجری شمسی) شروع شده و مردم از آن بسیار نفرت دارند.

مالیات

گفته می‌شود که مالیه برای اولین بار در بهسود از طرف دوست محمدخان وضع گردیده و در ابتدا یک رأس گوسفند از هر فامیل بود که بعدها به پول نقد تبدیل گردید. در دوران امیر شیرعلی خان مالیات بهسود به ۱۲۵۰۰۰ روپیه کابلی می‌رسید که براساس چهل روپیه بر هر خروار کابلی (۱۶ من انگلیسی)^۱ بذر کاشته شده (تنها در زمین آبی) و همچنان یک سیر کابلی روغن و یک جوال تعیین شده بود. همچنان والیان عادت داشتند تا در هر ۲۰ روپیه یک روپیه اضافی بحیث نایبانه بگیرند که قرار بود خرج جمع‌آوری مالیه گردد. به‌علاوه مالیات فوق امیر عبدالرحمن یک‌دهم حاصلات للمی را نیز اضافه نموده است. مال شماری^۲ و یا مالیات حیوانات قرار ذیل است:

از هر رأس گوسفند یا بز یک شاهی از هر رأس مادیان دو عباسی (۸ شاهی)

از هر رأس گاو شاخدار یک قران از هر رأس شتر یک روپیه کابلی

همچنان مبلغ ده روپیه کابلی بحیث مالیات عروسی گرفته می‌شود. در صورتی که عروس بیوه باشد ۵ روپیه کابلی اخذ می‌گردد. (یک روپیه کابلی ۱۳ آنه ارزش دارد و یک قران نصف روپیه کابلی است همچنان یک روپیه کابلی که پخته تلقی می‌شود، سه عباسی و ۱۲ شاهی ارزش دارد.)

مالیات فوق فشار زیاد بر روی مردم وارد می‌کند. آنان بطور عموم فقیر بوده و از این سیستم مالیات ناراضی هستند ولی قادر به مقاومت نیستند. اعتقاد بر این است که در مقابل مالیات اضافی وضع شده از جانب عبدالرحمن اضافه ستانی و یا تحمیل بروز نایبها روی بهانه‌های مختلف و اکثراً عادی از بین رفته است. تا سال ۱۸۸۶ میلادی (۱۲۶۵ هجری شمسی) حال مردم بهسود از هزاره‌های دیگر بدتر نبود.

۱. عموماً چنین شمار می‌شد ولی دقیقاً یک خروار کابلی ۱۵ من یا ۲۷/۵ سیر انگلیسی است که سیر کابل ۷ سیر و ۱۲/۵ چیتک chittacs انگلیس است.

۲. در متن انگلیسی آن مال شماری (Mal Shumari) آمده است که به عین ترتیب ذکر می‌شود. (مترجم)

هزاره‌های دایزنگی *

سرزمین دایزنگی

به طوری که در مقدمه متذکر شدیم سرزمین هزاره‌های دایزنگی در قسمت شمال غرب هزاره‌جات خاص قرار دارد و منطقه شمال بند بابارا که در غرب بامیان واقع است و به نام یکاوانگ یاد می‌شود نیز شامل می‌شود. شکل این منطقه نامنظم بوده ولی مساحت آن ۵۹۰۰ مایل مربع (۹۴۴۰ کیلومتر مربع) است. سرحد بین بهسود و دایزنگی را راه کابل به دولت‌یار و هرات (راه شماره XIX) مجموع راههای «کابل» در حصه دراز قول در حدود دو نیم مایلی (۲ کیلومتری) غرب مارخانه قطع می‌کند که محل استراحت قافله است. سمت غربی سرحد بهسود تا جایی که ما می‌دانیم، شمال و جنوب و یا شمال و شمال غرب و جنوب و جنوب غرب است. در غرب آن مناطق دایزنگی سرخ جوی، ورس، تخت و تگاوبرگ قرار دارد. بسیار جای تعجب و در عین زمان تأثر است که ما نمی‌توانیم موقعیت این مناطق را به استثنای اخیر الذکر آن با دقت تعیین نماییم ولی می‌توانیم با دلیل تخمین بزنیم که سرخ جوی که آن را سرخجوی کلان نیز می‌گویند منطقه‌ای است که بعد از ترک مارخانه اولین بار از آن می‌گذریم، بعد از آن تگاوبرگ در غرب آن قرار دارد که محل عمده آن پنجاب است که دو سرای راه از مارخانه دورتر است و به جنوب آن ورس و تخت واقع شده است.^۱

همچنان منطقه‌ای به نام برگر^۲ وجود دارد که نسبتاً مهم است، چون این شاید نام عمومی تمام منطقه باشد که چهار منطقه فوق‌الذکر در آن واقع شده است و یا اینکه در جنوب ورس یا تخت در کنار هلمند واقع است و یا یکی از مناطقی است که هزاره‌های مستقل دایزنگی در آن زندگی می‌کنند که درباره‌شان در بخش چهارم توضیح صورت گرفته است.

تا حال معلومات ما شکل عمومی و شاید هم مبهم داشته است ولی بقیه منطقه دایزنگی در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) تا اندازه‌ای بطور مکمل مورد اکتشاف قرار گرفته و نویسنده قادر است درباره آن با صحت بیشتر نسبت به هر قسمت دیگر هزاره‌جات صحبت نمایند.

در غرب تگاوبرگ منطقه کوچک اقرزات واقع شده که شامل تربولاک [تربلاق] می‌شود و تا حوزه دریای هریرود یعنی تا بند دوکات (Band-i-Dokat) و شهرک خوشه کوتل (Shahrak)

* جمع‌آوری شده توسط پی. جی. مینلند Lieutenant-Colonel P.J. Maitland نظر به معلومات دست داشته توسط گروه اطلاعات کمپسیون سرحدی افغان، راپور دفته‌دار محمداکبر خان و راپور صوبه‌دار محمدحسین.

۱. تا جایی که اطلاع داریم یک سرای شش کره راه است و هر کره حدود دو مایل و یا ۳،۲ کیلومتر است. (مترجم)

۲. منظور سه پای دایزنگی است که امروز شهرستان نامیده می‌شود. (یزدانی)

(Khushta Kotal) در سر راه اصلی ادامه دارد. بیشتر از حوزه دریای هریرود به امتداد غربی آن و به طرف دولت یار مناطق لعل و سرچنگل قرار دارد که رودهای آن در منطقه دولت یار با هم یکجا شده و دریای هرات را تشکیل می دهد.

چنین بنظر می رسد که تخت بطرف جنوب اقزرات واقع شده و شامل سوخته قول می شود که در روی نقشه نشانی شده و همچنان ورس در شرق و شاید برگر در جنوب آن قرار دارد. به طوری که قبلاً ذکر گردید یکاولنگ در شمال بند بابا واقع شده و آن را از تگاوبرگ و مناطق دیگر در آن قسمت دایزنگی جدا می سازد و شامل منطقه وسیعی می شود که سر بند رود بند امیر و دریای قدیمی بلخ و همچنان رود کهمرد را در بر می گیرد و در شمال تا ۵۰ مایل (۸۰ کیلومتر) بطرف مناطق دره صوف و بلخاب در ترکستان ادامه می یابد.

بطور عموم سرزمین دایزنگی را، به استثنای مناطقی که مردم آن می خواهند استقلال خود را حفظ کنند، می توان به سه منطقه مشخص ذیل تقسیم کرد:

اول: چهار منطقه که قبلاً ذکرشان رفت به شمول اقزرات که در شرق آن بهسود قرار داشته و به طرف شمال آن بندبابا، به جانب جنوب آن هزاره های مستقل و به طرف غرب سرزمین دایکندی قرار دارد. مساحت این قسمت دایزنگی حدود ۲۸۸۰ کیلومتر مربع است.

دوم: منطقه لعل و سرچنگل. این دو منطقه حوزه کم عرض رودهای هستند که قسمت بالایی آب هریرود را تشکیل می دهند. به جنوب آن سرزمین دایکندی قرار دارد سرحد طبیعی آن حوزه ای است که در اینجا به نام بند دواکان (Band-i-Doakan) [بند دو آخن]^۱ یاد می شود. ولی در واقع دایزنگیها بطرف دیگر بند، قسمت زیاد دره تلخک را نیز در اختیار دارند. بطرف شمال سرچنگل منطقه است که از رود کاشان آب گرفته و به منطقه بلخاب ترکستان تعلق دارد، بطرف غرب آن منطقه دولت یار واقع شده که تحت اداره رهبر تایمنی بوده و نفوس آن نصف هزاره و نصف فیروزکوهی است. این منطقه مربوط به ولایت هرات می باشد. بطرف غرب آن منطقه یکاولنگ و قسمتی از اقزرات قرار دارد. لعل و سرچنگل کوچکترین سه منطقه بوده و مساحت آن به ۲۰۸۰ کیلومتر مربع می رسد.

سوم: منطقه سوم عبارت از یکاولنگ است که بند بابا در جنوب، بامیان در شرق، منطقه دره صوف و بلخاب ترکستان در شمال و لعل و سرچنگل در غرب آن قرار دارد. سه ناحیه اخیر الذکر با کوهستانات صععب العبور از آن جدا می شود. به طوری که قبلاً ذکر شد این ناحیه شامل منطقه وسیعی به مساحت ۲۴۸۰ کیلومتر مربع را احتوا می کند که قسمتی از آن لم یزرع بوده و خالی از سکنه می باشد. در دوران تابستان از آن برای چراگاه استفاده به عمل می آید.

قسمت اول یعنی منطقه شرقی که در جنوب بند بابا بین بهسود و دایکندی قرار دارد دارای

بلندیهای است که می توان آن را کوهستانی دانست، دره‌ها باریک و عمیق به نظر رسیده و تپه‌های بسیار برجسته دارد که ارتفاع قابل توجهی داشته ولی سنگی نبوده و مانند تمام بلندیهای هزاره‌جات به آسانی با پای پیاده قابل صعودند.

لعل و سرچنگل عبارت از دره‌های کوچکی است با یک تعداد انشعابات آنها. این دره‌ها با گردنه‌های کم و بیش غیر قابل صعود از هم جدا می‌شوند. سلسله کوه جنوب رود لعل (بند دواکان) و شمال سرچنگل بسیار بلندتر از آنهاست که این دو حوزه را از هم جدا می‌سازد. اما همه عین خواص را دارا هستند.^۱

تشریح یکاوانگ در چند سطر امکان‌پذیر نیست. رودهای تعدادی از دره‌ها در طرف شمال بند بابا با رود دریاچه‌های عجیب بند امیر یکجا شده و دریای بند امیر را تشکیل می‌دهد که بعد از عبور از مشکلترین و کوهستانی‌ترین منطقه، به سطح مرتفع افغانستان داخل شده و قسمتی از آن را در اطراف بلخ آبیاری می‌کند. از اینجا است که این رود در قدیم به نام بلخاب یاد می‌شد. این نام به منطقه مجاور یکاوانگ اطلاق می‌شود. دره رود اصلی با امتداد رود بطور فوق‌العاده عمیق شده و گردنه‌های متعددی در سر راه قرار دارد تا اینکه در منطقه بلخاب هیچ راهی بجز از راه پیاده‌رو در امتداد رود وجود ندارد. قسمت شمالی یکاوانگ شامل منطقه لم‌پزرع، متروک و مرتفعی می‌شود که ساکنین بسیار کم دارد. رود اصلی قسماً به رود کهمرد می‌ریزد.

حداکثر ارتفاع لعل و سرچنگل بین ۳۳۳۳ تا ۳۶۳۶ متر است ولی حد اوسط ارتفاع مناطق مسکونی دایمی حدود ۳۰۳۰ متر است. مناطق شرقی در جنوب بند بابا یقیناً ارتفاع کمتری دارند، شاید حد اوسط تمام مناطق مسکونی کمتر از ۲۷۲۷ متر ارتفاع داشته باشد تا بیشتر از آن. دره‌های مسکونی یکاوانگ تنها حدود ۲۴۲۴ متر ارتفاع دارد ولی ارتفاع بلندیهای که طرف شمال و شرق قرار دارند بین ۳۰۳۰ و ۳۳۳۳ متر است.

ارتفاع کوه بابا در جنوب یکاوانگ حدود ۳۹۳۹ متر بوده و از قله زرد سنگ به ۴۶۷۴ متر می‌رسد.

اقلیم لعل و سرچنگل در زمستان واضحاً بسیار شدید است. اولین برف خفیف در اواسط میزان توقع می‌رود ولی همیشه چنین نمی‌شود. بعد از اواسط عقرب بارش برف بطور جدی شروع شده و تا اواخر حوت دوام می‌کند. ضخامت برف در دره لعل در زمستان متوسط حدود سه فوت یا یک گز است و تا اواخر دلو چنین باقی می‌ماند، بعد از آن شروع به ذوب شدن می‌نماید ولی دره‌ها تا نوروز پر برف باقی می‌مانند. زمستانها نظر به شدتشان فرق می‌کنند. وقتی برف آب می‌شود باریدن باران شروع شده و تمام منطقه را چنان گل و لای فرامی‌گیرد که حرکت به مراتب مشکلتر از رفتن در روی برف می‌شود. هر جوی کوچک مملو از آب شده و این وضع

۱. یعنی سنگی نبوده و قابل صعودند. (مترجم)

بین پنج هفته تا دو ماه دوام می‌کند و بسته به مقدار برفی است که در دوران زمستان باریده است اما قاعدتاً این سرزمین برای حرکت عساکر تا ماه ثور مساعد نیست.

تنها نبات خوراکی گذشته از گندم و جو عبارت از سه نوع حبوبات است. اکثر مناطق این سرزمین برای کشت گندم نسبت ارتفاع زیاد مناسب نبوده ولی جو آن اکثراً بسیار خوب است. کل جو که نوع پست‌تر جو است هم به مقدار زیاد کشت می‌شود، هزاره‌ها روی کلجو و بعضی حبوبات دیگر به حیث مواد غذایی متکی هستند. نسبت برف و باران زیاد و طبیعت منطقه، مقدار زراعت آبی بسیار کم است و اکثر زراعت به شکل دیبه یا للمی صورت می‌گیرد که تا بلندبهای زیاد کوه‌ها بالا می‌رود و اکثراً در سرراشیبهای تند بدون هموارسازی کشت می‌گردد. میوه و فالیزکاری در لعل و سرچنگل وجود ندارد.

دایزنگی شرقی (تگاوبرگ، ورس و غیره) اقلیم گرمتری داشته و حاصل آن زودتر می‌رسد. گندم نسبتاً خوب روئیده و در اکثر نقاط میوه هم می‌روید. گرچه در واقع به مقدار زیاد وجود ندارد. برداشت حاصل بین ۱۵ روز تا یک ماه زودتر از لعل و سرچنگل صورت می‌گیرد.

اقلیم یکاوئنگ شبیه دایزنگی شرقی بوده و در مجموع این منطقه نسبت به منطقه جنوب بند بابا پایین‌تر است ولی چون در شمال سلسله کوه عمده واقع شده تفاوت ارتفاع تأثیر کم دارد. تمام سرزمین دایزنگی مانند همه هزاره‌جات فاقد درخت است. تنها چیزی که آن‌را می‌توان درخت نامید بیدهای کوچکی است که در دو طرف جویها قرار دارد. بعضاً چنار سفید نیز یافت می‌شود ولی واضحانه بالاتر از ارتفاع ۲۴۲۴ متر. چنین معلوم می‌شود که این ارتفاع تقریباً محدوده درختان مقاومتر دیگری مانند زردآلو نیز هست.

راهها

راههای متعدد و مهمی از دایزنگی می‌گذرد که اولین آنها راه کابل - هرات است که از سر تا سر سرزمین دایزنگی عبور می‌کند. این راه ساخته شده و یا بهتر بگوییم مرمت گردیده است. در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) عرض این راه در بعضی قسمتها به ۳ متر می‌رسید و در برخی دیگر ۱/۵ متر و یا کمتر عرض داشت. بعضی جاههای سنگی که باید منفجر می‌شد دست نخورده باقی مانده بود، میلان بعضی جاهها بسیار شدید بوده و بدتر از آن نوعیت خاک رسی بعضی از کوهها می‌باشد که آب زیاد می‌گیرد و عبور و مرور را از این راه تا مدت‌ها بعد از آب شدن برف غیر ممکن می‌سازد. در فصل گرما هم اگر عبور و مرور زیاد شود راه مسدود می‌گردد. به ما گفته شده که امیر دستور داده است تا این راه را سراسر به عرض ۵ متر اصلاح نموده و مناطقی که به انفجار نیاز دارد سُرنگ پرانی شود، اما معلوم می‌شود این دستور به منصفه اجرا نگذاشته شده است.

در تابستان و خزان یعنی از ماه جوزا الی عقرب این راه، راه پستی بین کابل و هرات را تشکیل می‌دهد، همچنان برای عبور و مرور تعداد معدودی از عساکر در حال وظیفه و یا عساکر انفرادی که به رخصتی می‌روند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شماره این راه در مجموعه راههای «کابل» (XIX) است. دومین راه مهم راهی است که از بامیان به یکاولنگ و از آنجا پس از عبور از کوتل بکک (Bakkak) به دژه سرمه قول (Sormakol) [سرماقول] می‌رود، آب این دره به یکاولنگ ریخته و شامل آب یکاولنگ می‌شود. این راه از کوتل کوچک به لعل و از آنجا به گردن روغنی به سرچنگل می‌رود. راه مذکور بعد از چند مرحله در حصه قلعه صفرک به راه اصلی می‌انجامد، گرچه این راه زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد اما هیچگاه تعمیر نگردیده است. به استثنای شمال کوتل بکاک این راه نسبتاً هموار است. راه مذکور در زمرة راههای «کابل» شماره (XVI) و شاخه سرچنگل که تنها برای عبور و مرور محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد شماره (XVIIA) دارد.

راههای شمال و جنوب در منطقه دایزنگی چندان اهمیت ندارد. راه دیگری از بند امیر در منطقه یکاولنگ به طرف شمال به مزار شریف می‌رود، این راه در جمله راههای «کابل» شماره (XVII) دارد. راه مذکور امتداد راهی است که از غزنی از طریق بهسود به کوتل زرد سنگ می‌رود و شماره (XX) دارد.

به علاوه این راه، راه دیگری از کوتلی (Katli-h) در سرچنگل و از طریق کاشان و منطقه بلخاب به مزار شریف و سنگچارک می‌رود. این راه توسط سوداگران محلی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در زمرة راههای «دولت‌یار» شماره (III) و (IIIA) دارد. از لعل راههای متعدد دیگری به طرف جنوب و از طریق کوهها به دایکندی می‌رود و همچنان در بند بابا سه چهار کوتل است که ارتباط مستقیم بین تگاو برگ و غیره و یکاولنگ را برقرار می‌سازد اما همه آنها صعب‌العبور است. تا جایی که می‌دانیم هیچ راه مستقیمی به طرف جنوب وجود ندارد یعنی هیچ راهی به مناطق گرشک و قندهار نیست که بتوان از آن با تسهیلات قابل تحمل و با قاطرهای باری عبور کرد.

خوار و بار

در دایزنگی نمی‌توان خوار و بار به مقدار زیاد به دست آورد، و این بخاطر غیر حاصلخیز بودن آن نیست چون این منطقه نسبت به مناطق کوهستانی دیگر حاصلخیزتر است بلکه بخاطر نفوس نسبتاً زیاد و عدم اطمینان برداشت حاصل است که با فرود آمدن برف قبل از وقت، محصول عموماً در روی زمین از بین می‌رود.

تخمین مقدار خوار و باری را که می‌توان از منطقه دایزنگی به طرف غرب نلگس

(Nalgis)^۱ (منطقه نگاوبرگ) بدست آورده و در سر راه قرار داد در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) به نویسنده طور ذیل داده شده بود:

نام منطقه	آردگندم (خورار)	جو (خورار)	بوته (خورار)
گزاره ^۲ (Guzrah) گنداو [گنداب]	۴	۲۰	۳۲
و خوردک تخته			
انزرات و تریولاک	۲	۱۰	۱۶
کرمان (لعل علیا)	۲	۱۰	۱۶
لعل	۱۳	۶۵	۷۸
گرماو (سرچنگل علیا)	۵	۲۵	۴۰
یکاولنگ ^۳	۱۲	۶۰	۷۲
سرچنگل	۲	۱۰	۱۶
مجموع	۴۰	۲۲۰	۲۷۰

این خروارها خروار هراتی است که هر یک آن ده من (Maud) انگلیسی است. خود مردم منطقه قدرت خرید آرد گندم را ندارند.

در منطقه دایزنگی سبزه زیاد وجود ندارد و نسبت به دولت یار و جلگه تایمتی کمتر است. در اکثر مناطق مواد سوخت کمیاب بوده و مردم از بوته برای سوخت کار می گیرند و باید مقدار زیاد آن در دوران خزان جمع آوری گردد تا اینکه مصرف زمستان را کفایت نماید. گوشت گوسفند زیاد است.

صوبه دار محمد حسین می گوید که اگر قوای انگلیس بیاید هر فامیل، خوراک پنج سوار را تهیه کرده می تواند (به گمان اغلب برای یک روز). این گفته با ارقام فوق تطابق می کند. نظر به نفوس موجود سرچنگل به شمول گرماو، این منطقه باید به اندازه لعل و کرمان مواد خوراکی تهیه نماید اما در قسمت اولی باید این مواد به فاصله ای در کوهها حمل شود تا به سرک برسد که خود دلیل کمی مقدار ذکر شده را توجیه می کند. صوبه دار می افزاید که اگر روی مردم فشار وارد شود آنان می توانند حتی برای ۱۵ سوار نیز خوراک تهیه نمایند ولی از این بیشتر نمی توانند و اگر از آنان خواسته شود که مواد غذایی برای زمستان تهیه نمایند خودشان از گرسنگی خواهند مرد.

۱. این ناحیه احتمالاً نرگس است که چون در متن انگلیسی آن نلگس ذکر گردیده به همان ترتیب گذاشته شد.

(مترجم)

۲. گوده، گذره. (یزدانی)

۳. وقتی عساکر در امتداد سرک اصلی حرکت می کنند خوار و بار از ناحیه یکاولنگ جمع آوری نمی گردد. مقداری که در اینجا ذکر گردیده شاید تنها از زاری و یا دره های مجاور کوتل بکاک [بکک] باشد. مقدار خوار و باری که گفته می شود از یکاولنگ قابل دسترسی است به مراتب بیشتر از این ارقام است.

وقتی عساکر پشتون از این راه استفاده می‌کنند چند هفته و یا حداقل چند روز پیش به مردم اطلاع داده می‌شود. مواد غذایی توسط میران به دستور رهبران و یا آمرین دیگر تهیه می‌گردد بطور مثال در افزرات قمبرعلی خان و در لعل میرمحمدیوسف بیگ این کار را انجام می‌دهند. اخیرالذکر می‌تواند مواد خوراکی از سرجنگل سفلی نیز تهیه نماید در کرمان و سرجنگل علیا ترتیب اینکارها توسط شاه حسن، سید بزرگ سیاه خاکی گرفته می‌شود.

مردم از تهیه نمودن مواد غذایی شکایت زیاد کرده و می‌گویند که قیمت آن پرداخت نمی‌گردد به علاوه حالا معمول شده است که مردم قراء مجاور راه از بیم رفتار خشن عساکر پشتون از جایشان کوچ نمایند.

گفته می‌شود که سرزمین دایکندی تا حال هیچگاه خوار و بار تهیه نکرده است.

قبیلهٔ دایزنگی

هزاره‌های دایزنگی به پنج شعبه و یا قسمت عمده تقسیم شده‌اند، این شعبات -حالا با همدیگر و با دیگران- مخصوصاً بهسودیها که بدانجا رفته و ساکن شده‌اند، آمیزش نموده و مخلوط گردیده‌اند. صوبه‌دار محمدحسین دایزنگیها را باز هم به دو قسمت تقسیم می‌نماید- دایزنگیهای گپرو و یا دایزنگیهای شمالی و دایزنگیهای پتاو و یا دایزنگیهای جنوبی. آنانی که در این بخش ذکر گردیده‌اند و قسمت عمدهٔ قبیله را تشکیل می‌دهند، دایزنگیهای گپرو هستند. دایزنگیهای پتاو و دایزنگیهای مستقلند که به طرف جنوب و مخصوصاً در امتداد چپ رود هلمند زندگی می‌کنند. آنان با هزاره‌های مستقل در بخش (IV) مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در ذیل طوایف و شاخه‌های طوایف دایزنگی، تا جایی که دربارهٔ آنان اطلاع در دست است ذکر گردیده‌اند. از آنجایی که تنظیم قبیلوی -اگر هم گاهی به شکل مکمل آن وجود داشته -حالا ازین رفته است، دانستن شاخه‌های فرعی اهمیت زیاد ندارد. بایست بطور واضح فهمیده شود که رهبران ادارهٔ مناطق را در اختیار دارند تا شعبات قبیلوی را.

از دورانی که دایزنگیها تحت ادارهٔ یک رهبر بودند مدتهای زیادی می‌گذرد. بطور مسلم جدایی بین آنان از چند نسل پیشتر شروع شده و دشمنی و تفرقه بین خود و همسایگان دایکندیشان داشته‌اند.

چنین معلوم می‌شود که از دوران طولانی دایزنگیها و دایکندیها با همدیگر رقابت داشته‌اند ولی خصومت اصلیشان از دورانی شروع شد که شاه عباس کبیر دایکندیها را ترفیع داد و رهبرشان دولت بیگ را رهبر تمام هزاره‌ها ساخت. بسیار احتمال دارد که قدرت دولت بیگ اندکی بیشتر از سمبولیک بوه ولی در هر صورت ارتقای وی نفرت دایزنگیها را برانگیخته و جنگی بینشان درگرفت. طوری که در چنین مواقع معمول است رقابت بین دو گروه به شکل

طوایف و شعبات طوایف قبیلهٔ دایزنگی

ملاحظات	تعداد قایل	موقعیت	شاخه یا شعب طوایف	طوایف
مسئله اینکه شاخهٔ نرمن دیگری به نام خانق داد نیز وجود دارد.	۵۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۵۰
مسئلهٔ دیگر آنست که در بعضی جاها هم می‌دانند. هم می‌دانند و هم محمدحسین بیگ به نامیل محمدیوسف یک نفر دارند.	۹۱	۲۵۰	۱۷۰۰	۱۰۰۰
	۲۱۰۰	۱۰۰۰	۲۱۲۰	۱۹۰۰
	۱۵۰	۲۰۵۰	۲۰۵۰	۲۰۵۰

۱. به استناد صورت‌های محمدحسین نفوس این مناطق شاید تا اندازهٔ معلوم شده باشد.

۲. رنگ‌رهای شهیدان در باستان (۱۲۵ قایل) در قسمت هزاره‌های باستان شرح شده‌اند. (رجوع شود به بخش VII)

ملاحظات	تعداد فایله	موقعیت	شاخه‌ها یا شعب طوایف	طوایف
این رقم شامل هزارهائی که هنوز هم مستقل هستند نمی‌شود.	۲۴۰۰ ۲۵۰ ۲۳۵۰	سرخروی کلان ^۱ اسل مجموع	التجی Aliachi علی ابدال (الودال) Ati Abdal حسین Markah مرگه امرگه ? Murad ? مراد ? Bejal بیگل Kam-i-Karka کام اقوم کرگه Kam-i-Yarka کام یرگه Kam-i-Anda کام‌انده رستم	IV سپای
مردم کام اقوم، آبه از مردم تکانه متفاوتند و تعدادشان به ۵۰۰ فایله می‌رسد.	۱۴۵۰	تنام در منطقه یکانونگ ^۲	Kam-i-Abda کام اقوم آبه Baika بیکه خواجه‌داد Pirkuli پیرکولی Nurkâh نورگه (نورگه) Alkhân آلیخان آلیخان Takhâna تکانه رهبر عمده میرمحمدامیر	V تکانه رهبر عمده میرمحمدامیر آلیخان آلیخان

بقیه طوایف و شعبات طوایف قبیله دایزنگی

طوایف	شعبات فرعی	افراد عمده	موقعیت	تعداد فامیل	ملاحظات
سادات هزاره	ندارد	سیدرضابخش	یکاولنگ	۷۵۰	این سادات همیشه در شمار دایزنگیها می آیند
		تگاو		۷۵	
		شاه حسین سیاه خاکی	لعل و سرچنگل	۸۲۵	
			مجموع		

نهایم و تلافی و انتقام بوده که نتیجه قطعی نداشت ولی باعث تضعیف هر دو جانب شده و بینشان احساس دشمنی نسبت به یکدیگر ایجاد نموده که هنوز هم وجود دارد، گرچه حکومت پر قدرت عبدالرحمن و باز کردن راه هزاره جات به دولت یار و هرات از هرگونه جنگ اصلی بین شان از سال ۱۸۸۲-۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۱-۱۲۶۰ هجری شمسی) جلوگیری نموده است.^۱ دایزنگیها می گویند که آنان قدرت دایکندی را به تحلیل برده و بعد از آنکه آنان را به موقف ثانوی تقلیل دادند، اختلافات بطور جدی بین خودشان شروع شد.

در دوران امیر شیرعلی هم دایزنگیها و هم دایکندیها تقریباً مستقل بودند تعدادی از آنان و شاید هم اکثرشان مالیه غیر منظم و وقفوی تحویل می کردند ولی شاید هیچگاه بدون نشان دادن قدرت به دست نمی آمد. معلوم می شود در آن دوران شش تا هشت رهبر در دایزنگی وجود داشتند که هر یک مستقل از دیگری بوده و در پیشان الخانی [ایلخان] یکاولنگ بزرگترین قدرت و مرتبت را دارا بود. این مقام فعلاً به میرمحمد یوسف بیگ لعل^۲ تعلق دارد. وی این قدرت را قسماً با جنگ و قسماً با پشتیبانی به موقع از امیر عبدالرحمن و تقویت قدرت وی در آن منطقه بدست آورده است.

بطور یقین می توان فرض کرد که دایزنگیها تنها بعد از وفات حسن سردار رهبر دایکندی که شاید در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۳۹ هجری شمسی) رخ داده باشد توانستند امتیازات واقعی بر رقبای دایکندیشان کسب کنند. بعد از آن دایکندیها به گروههای مختلف تقسیم شدند و کاکا و سلف میرمحمد یوسف با نزدیکان خویش بر ضد دایزنگیها متحد شد. در جنگی که واقع شد و اکثر آن بعد از آنکه میرمحمد یوسف به حیث رهبر لعل به قدرت رسید - یعنی در اواخر دهه ۱۸۷۰ میلادی (۱۳۴۹ هجری شمسی)، میر یزدان بخش ورس، میرمحمد مهدی رهبر

۱. یکبار دیگر به این جملات تفرقه انگیز دقت کنید و ببینید که جهانخواران با چه مهارتی به تعصبات بی معنای داخلی دامن می زنند؟ و از طرفی اطاعت از امیر عبدالرحمان خان را باعث پایان جنگهای داخلی می شمارند، در حالیکه خلاف واقع است و امیر عبدالرحمان بیش از نصف مردم را قتل عام کرد، و ما باید بدانیم که هزاره هزاره است چه از دایزنگی و چه از دایکندی و همه با هم برادرند. (یزدانی)
۲. میرمحمد یوسف بیگ لعل در سال ۱۳۰۶ ه.ق در مزار شریف از دنیا رفت و پسرش به نام محمدحسین خان به خانی رسید و از طرف امیر عبدالرحمان نشان المناس گرفت و در سرکوبی هزاره ها دست داشت و در آخر به مردم پیوست و از امیر عبدالرحمان برید و کشته شد. (یزدانی)

سرجنگل، قمبرعلی خان اقزرات همه با کم و بیش استقلال عمل برضد میر محمدیوسف و متحدین دایکندیش شرکت داشتند. متحدین میر محمد یوسف عبارت بودن از سلمان بیگ پسر حسن سردار، علی جان بیگ اشترلی، ابراهیم بیگ سیاه خوله و یکی از میرها و رهبران کوچک سرجنگل که حالا در منطقه اش مرد قدرتمندی است. مناطق کوچک کرمان در قسمت علیای لعل، تربلوق و اقزرات میدان معمول جنگ بود که بسیار صدمه دیده و قلعه های ویران شده و قریه های متروک در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) شاهد آن است. مردم کرمان گرچه متمایل به میر محمد یوسف بودند ولی چون میر نداشتند بی طرف ماندند. آنان کوشش کردند تا به قدر امکان از جنگ به دور باشند ولی چون بین محمدیوسف و قمبرعلی قرار گرفته بودند نسبت به همه بیشتر صدمه دیدند. دره تربلوق که در شرق کوتل خوشته کوتل قرار داشته و بی طرف بود چنان ویران گردیده بود که تا سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) از دادن مالیه معاف بود. قمبرعلی خان اقزرات که اداره ۱۰۰۰ خانوار را به عهده داشت حالا نفوذش روی چندصد خانه تقلیل یافته و مالیه وی را اقبال بیگ تربلوق جمع می نماید. سرجنگل هم صدمه دیده بود ولی نه به قدر مناطق پیش گفته. رهبر آن محمد مهدی وفات نموده و در سال ۱۸۸۵ میلادی رهبر نداشت. قدرت محمدعلی بیگ پسر محمد مهدی از یک میر عادی زیادتر نبود. باید همیشه به خاطر داشت که رهبران دایزنگی بیشتر حکام منطقه هستند تا رهبران قبایل. مناطق دایزنگی در سال ۱۸۸۵ میلادی با رهبر منطقه، نفوس و مالیه آن تا (تا جاییکه معلوم بود) در جدول ذیل ذکر گردیده است.

مناطق، رهبران و نفوس سرزمین دایزنگی شمالی به شمول یکاولنگ:

منطقه	رهبران	فامیلها به ارقام تمام	مالیات
۱- لعل	میر محمدیوسف بیگ	۱۲۰۰	۲۵۰۰ روپیه کابلی
۲- سرجنگل	رهبر ندارد ابراهیم بیگ سیاه خوله مسئول جمع آوری مالیات است	۱۴۰۰	؟
۳- اقزرات و تربلوق	قمبرعلی خان و میر اقبال بیگ (پسر عموش)	۴۰۰	؟
۴- تخت	میر حسن بیگ	۱۰۰۰	؟
۵- ورس	میریزدان بخش	۱۷۰۰	۴۰۰۰ روپیه کابلی
۶- سرخجوی	میر محمد حسین بیگ	۲۴۰۰	؟
۷- تگابو برگ	میر حسین علی بیگ	۱۹۰۰	؟
۸- یکاولنگ	میر محمد امیرالخان	۳۰۰۰	۲۰۰۰۰ روپیه کابلی
	مجموع	۱۳۰۰۰	

از جمله رهبران فوق همه به جز سه نفر اخیر الذکر بچه غلام هستند. محمد حسین بیگ سرخجوی و حسین علی بیگ تگابو برگ ینگور بوده و الخانی تکانه می باشد. شجره رهبران بچه غلام و الخانی در اخیر این بخش ذکر می گردد. نفوس و شعبات فرعی هر منطقه با رهبران کوچک و میران و بزرگان قریه ها به تفصیل در ذیل ذکر می گردد:

منطقه لعل سرزمین دایزنگی، قریه‌ها و غیره از بالا به پایین

ملاحظات	تعداد فامیل	رهبران	ساکنین	قریه‌ها	شعبات قریه و میزان آن
	۱۵	سیدعلی جان	سادات	Kushkacha	
	۱۵	سیدشاه علی تقی	اسمعیل بچه غلام	Siah Burnak	
	۲۰	دولت‌حسین پور میرمحمدحسین	مخلوط	Komaghai (قوم آغی)	
کرمان در فوق لعل قرار دارد	۲۰	گریمداد	نیکه	زرزنگ	کرمان
و مالیه آن توسط شاه حسن	۵	میرمحمدحسین	مخلوط بچه غلام	Surkhguli (بالای نوجوی)	مجموع ۱۴۵ فامیل
سیاه خوله جمع‌آوری می‌شود.	۲۰	آخوند خوش محمد	نیکه	نوجوی	میرمحمدحسین
	۲۰	آل میرزایک Beg	مخلوط	Talatu (تالوتو)	
	۲۰	ملاحسین امیر هزارا	بویک بچه غلام	Sar-i-Bam (سریام)	
	۵۰	ملاهدی	اسمعیل بچه غلام	Zaryafte	
	۲۰	غلام حسن	اسمعیل بچه غلام	Sowak	
تلخک در جنوب حوزه عمده	۲۰	خداداد	اسمعیل بچه غلام	Gundajui	تلخک
قرار داشته و از دو جانب با	۴۰	میرزا حسین‌زیگ	اسمعیل بچه غلام	سیاه چشمه	مجموع ۱۷۰ فامیل
سرزمین دایزنگی احاطه	۲۰		اسمعیل بچه غلام	Surkhak	میرزا حسین بیگ
می‌شود.	۱۰		اسمعیل بچه غلام	Kunigao	برادرزاده رهبر بزرگ
	۵۰	مناطق میرقاسم بیگ شهبانخت	دایزنگی‌های مخلوط	Utarna (اوترنه/اوتوریه)	

شعبات فرعی و هیئتان آن	قریبه‌ها	ساکنین	رهبران	تعداد قایل	ملاحظات
سیاه خاکی (Siah Khaki) مجموع ۶۵ قایل سپه‌شاه حسن	جنگلک (دو قریبه) سیاه خاکی (دو قریبه) ده پیانو (Dan Piano) سیاه کرخ (یا سیاه کرک) Siah Karakh (or Kar)	په‌دارک، پریچه غلام، نیکه سادات په‌سورپه‌ای مخلوط مخلوط سید و هزاره مخلوط سید و هزاره	سید محمد صاحب‌داد سید محسن سید مهدی سید مهدی سید محسن	۲۰ ۱۰ ۵ ۱۰ ۲۰	سیاه خاکی تعدادی از قریبه‌های کوچکی ست که به سادات متعلق داشته و در شمال کرمان واقع است.
دهان خوشنو Dahan-Rohano در امل خاص مجموع ۱۱۰ قایل میر غلام حسن بیگ	Pestak پشک قلعه محمدقدم دهان خوشنو نازه افه افه Nemo سیاه چشمه	مخلوط سید و هزاره خواجه احمد پریچه غلام سه‌سای بوک پریچه غلام هزاره‌های مخلوط الک دایگندی، Akk Dai Kandi	محمدقدم ملا محسن میر غلام حسین بیگ استاد باباییگ	۱۰ ۱۵ ۶۰ ۱۵ ۱۰	در دره امل
سقاوه و گولانی در امل Kohani & Sakhna مجموع ۱۹۰ قایل میر محمد حسین بیگ بزرگترین فرزند رهبر سقاوه و گولانی	منجوق Mantu تکه غال Tanghal دهان سقاوه Kach نو جوی بدل Joi Badal	دایگندیها و تاجیکها سادات دوله Dohle ایسام تنور په‌سودی ایسام تنور په‌سودی	حسن علی سید اصف میر محمد حسین بیگ غلام علی علی شیر	۱۰ ۲۰ ۸۵ ۱۵ ۱۵	در دره امل
اسگرینه‌خنی Urganjani (در امل) مجموع ۱۲۵ قایل محمد یوسف بیگ رهبر امل	دهان نوخ Dahan-Rokh دهان شور Dahan-Shor دهان چکسک Dahan-Chaksek شیتیرک Shitarak اسگرینه جای Urganjani	جری بیسود جری بیسود مقدم سه‌سای (علی عبیل) سه‌سای (علی عبیل) سه‌سای (علی عبیل) علی عبدال سه‌سای	رضان بیگ خالق داد و دو برادرش اسمعیل بیگ محمدعلی زوار اسمعیل بیگ اسمعیل بیگ داووغه زارعی	۱۵ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۱۰ ۲۵	در دره امل

ملاحظات	تعداد فامیل	رهبران	ساکتین	قریه‌ها	تعبیات فرعی و میران آن
لعل خورد در پایین لعل خاص و آسگونه جای و گرمای بین لعل خورد و دولت‌یار قرار دارد.	۲۰ ۴۰ ۶۰ ۳۰ ۱۰	خالقداد کریمانی ؟ ؟ میرزا حسین دوست‌علی، صاحب‌اختیار	بویک بچه غلام بویک بچه غلام مخلوط بچه غلام بویک بچه غلام علی عبدال سه‌بای	کَشک یا کَشکل Kushak, or Kushhal قرل تینه (بایین) قرل بوره (بالا) گرمای بوره گرمای	لعل خورد و گرمای مجموع ۲۶۰ فامیل
کیشرو در امتداد گرمای و در مجاورت دولت‌یار قرار دارد.	۵۰ ۷۰ ۱۱۸۵	کنتر بیک زوار علی‌رضا بیک مجموع	جرعی بهودی کره بچه غلام	ناوۀ رحیم سفرک و سنگ Sefarak and Sang	کیشرو مجموع ۱۲۰ فامیل میرزا بخش
بجنوب گرمای و سرچنگل	۱۰ ۴۰ ۱۲ ۶ ۳۰ ۱۰ ۳۰ ۱۰ ۳۰ ۱۰ ۲۰ ۲۰ ۱۱۵	اریاب حسن میر غلام مهدی بیک و میرحسین علی‌بیک خدا بخش زوار ؟ ؟ ؟ ملاعزیز سیدعسکر، ملاالله زوار خداداد محمدرضا زوار ؟ میر قاسم بیک بندعلی زوار	بویک بچه غلام مخلوطی از بویک و بچه غلام مخلوطی از بویک و بچه غلام تاجیکها سادات حسین سه‌بای نیکه سادات باباجی بچه غلام خواجهداد بچه غلام مخلوط بچه غلام خالقداد و اسمعیل بچه غلام مخلوط بچه غلام سه‌بای	ده هور آده‌عوسا Dah Hauz سر تاله Sar-i-Tala سرخ سنگ شینه شور قول گم‌اوتینه (بالا) گم‌اوتینه (بایین) شاهین Shahin سیاه‌چشمه اسپی سنگ Ipi Sang زر یافتنه Zaryafatne هارک Harak دهان سوخته Dahan-i-Sokhta کینه ده خواججه جوش	شور قول مجموع ۱۱۰ فامیل میر غلام مهدی بیک
گرمای در قسمت علیای دره سرچنگل قرار دارد و نباید با گرمای لعل اشتباه نمود.		Mulla Allah ملاالله			گرمای مجموع ۱۴۵ فامیل میر قاسم بیک

شماره ۱۰۰۰، قرار در واقع در کَشک است و کَشک در لیست اصلی دارای ۳۰۰ خانوار ذکر شده و شور قول از آن حذف گردیده است. میرحسین علی بیک کَشک برادر بزرگ، گرمای مهدی شور قول

ملاحظات	تعداد فامیل	رهبران	ساکنین	قریه‌ها	شمارت فیزی و میزان آن
در دره سرچنگل و پایین تر در کارگرماء.	۲۰ ۵ ۴۰	میر محمدتقی بیگ توتوردی کرپلائی Tuturdi Karbala ؟ ؟ میر رضا بخش	مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام	چیری قول قول Chapri Kori چلا تو (تاله تو) Talanu شهر Shahr	میر محمدتقی بیگ مجموع ۹۵ فامیل قله نو و شهر
ظاهر در جنوب گرماء	۲۰۰	میر حسین علی بیگ	مخلوط بچه غلام	نام قریه‌ها نامعلوم	کشک Kashk
در دره سرچنگل و در دهن دره کوچک دنگک. اینجا دره‌های کوچکی هستند که به سرچنگل ختم می‌شوند	۲۵ ۲۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۲۰۰	میر محمد یعقوب علی بیگ میر محمد کریم بیگ میر ابراهیم بیگ میر محمد حسن بیگ	مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام	کلیش Kulish دنگک Dungak نام قریه‌ها نامعلوم نام قریه‌ها نامعلوم نام قریه‌ها نامعلوم	کلیش Kulish مجموع ۲۵ خانوار آواریک ۴۵ As Bark سیاه خوله Siahkhon نگه غالی Tagehgal
سرچنگل سفلی	۷۵ ۱۲۵ ۱۰۰ ۱۳۹۵	میر محمد علی بیگ مجموع	مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام مخلوط بچه غلام	سنگ زرد نه قریه خورد پایین قله سوخته. مناطق دیگر ناشناخته	خانانگ ایتیمونگ Ghaqanang مجموع ۳۰۰ خانوار

لباس و ساختمان جسمانی

دایز نگیها مانند دایکندها هزاره‌های نمونه بشمار می‌روند. هزاره‌های لعل و سرچنگل بیشتر قیافه مغولی دارند. میرها عموماً دارای قد بلند و بنیه قوی بوده و اکثراً نسبت به عوام قیافه بهتر داشتند. بدون شک برتری فیزیکیشان بخاطر این بود که آنان برای چندین نسل غذای نسبتاً بهتری خورده و قیافه بهترشان شاید نتیجه ورود خون تاجیک و یا فارس در نسلشان بوده است. در مجموع دایز نگیها در منطقه‌شان مردمان دلیر و شجاعی هستند. آنان کوه‌نوردان خوبی بوده و سوارکاران ماهری هستند، مانند هزاره‌های دیگر سلاح ندارند اما دارای اسبهای کوچکی هستند که برای کوه‌ها عالی است.

لباس دایز نگیها از برک بوده و از نوع معمول آن است. آنان همه کلاه هزارگی می‌پوشند. گرچه در مجموع دایز نگیها فقیرند، ولی دارای تعداد زیادی گوسفند هستند این گوسفندها عموماً نسواری شکل بوده و در افغانستان به نام پوشتین یاد می‌شود صوبه‌دار محمدحسین می‌گوید که مردم با رمه‌هایشان در دوران تابستان به بیلاق می‌روند ولی در اینکه این فعالیت عمومی باشد شک و تردید وجود دارد. آنان بطور عموم در خانه‌های گلی زندگی دارند و همچنان قلعه‌های کوچکی هم در این سرزمین وجود دارد که مستطیل شکل بوده، دیوارهای بلندی داشته و در نوع خود مستحکم و قویند. خصوصیت قلعه‌های هزاره این است که آنها ندرتاً دارای بیشتر از دو برجند و این برجها در دو کنج مقابل قلعه قرار دارد. برخلاف پشتونها در هر کنج قلعه‌هایشان برج تعمیر می‌کنند.

منطقه دایزنگی دارای مقداری صادرات پشم و همچنان پوست گوسفند برای پوستین است. برک نسواری تیره که به نام برک دایزنگی یاد می‌شود شهرت زیاد دارد همچنان گلیم و غیره یکاوانگ و دیگر جاهها معروف است. دایزنگیها در کار چرم و نقره نیز مهارت دارند. تمام منطقه دایزنگی توسط بامیان اداره می‌شود. جان محمد خان که در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) والی بود سالانه سفری به تمام این منطقه و همچنان به قسمتی از دایکندهی که در قلمرو ولایتش شامل بود، برای جمع‌آوری مالیه انجام می‌داد. وی چند نفر خاصه‌دار با خود همراه داشت اما هیچ مشکلی در جمع‌آوری مالیه به میان نیامده و مردم بطور مطلق آرام بودند.

وقتی به یاد آورده می‌شود که در گذشته نزدیک یعنی در دوران حکومت امیر شیرعلی خان گذشتن پشتونها از این منطقه از هزاره‌جات بدون همراهی حداقل ۵۰ نفر خالی از خطر نبود، دوران فعلی واقعاً استثنایی به نظر می‌رسد. موجودیت راه در باز کردن هزاره‌جات برخ دیگران و مطیع ساختن آن کمک زیادی نموده است. هر یک از رهبران مسائل جنایی، اداری و مالیاتی را در منطقه خویش حل نموده و تنها قضایای جدی را به والی بامیان محول می‌کردند. مسائل قتل

را که بسیار به ندرت رخ می‌دهد به کابل می‌فرستند، دشمنی خونی خانوادگی وجود ندارد و هر قسم جنایت حتی دزدی عادی بسیار غیر معمول است.

مالیات

صوبه‌دار محمدحسین می‌گوید که مالیه هزاره‌های دایزنگی نسبت به دیگر قبایل هزاره کمتر سنجیده می‌شود. این مالیه به حساب ۵ روپیه برای هر فامیل سنجش می‌گردد و مالیه توسط رهبران سنجیده شده و معلوم می‌شود رواج بر این است تا مالیه را عمدتاً و یا تماماً روی زمین‌داران حواله نمایند. در عین زمان معمول است که تمام زمینهای شاخهٔ قبیلهٔ میر (خانخیل) و با حداقل بستگان وی هر قدر زیاد هم که باشند از دادن مالیه معافند. در لعل میر محمدیوسف ۱۲ تا ۱۶ قران (۶ تا ۸ روپیه کابلی) به هر فامیل زمیندار و دو قران (یک روپیه کابلی) بالای هر یک از فامیل‌های دهقان حواله می‌نماید، ولی از میران هیچ چیز اخذ نمی‌گردد. تقریباً این سیستم اخذ مالیه در دیگر مناطق دایزنگی نیز رواج دارد. در یکاولنگ مالیه طبق معمول منطقه از زمین‌داران گرفته شده ولی از دهقانان اخذ نمی‌شود. در شعبهٔ فرعی طایفهٔ ایلخانی مالیه روی زمین حواله می‌گردد و شاید در ارتباط به همین سیستم مالیه است که صوبه‌دار محمد حسین می‌گوید که به وی اطلاع داده شده که در بعضی مناطق دایزنگی ۶ روپیه کابلی روی هر خروار غزنی (هفت من انگلیسی) تخم بذری مالیه وضع می‌شود.

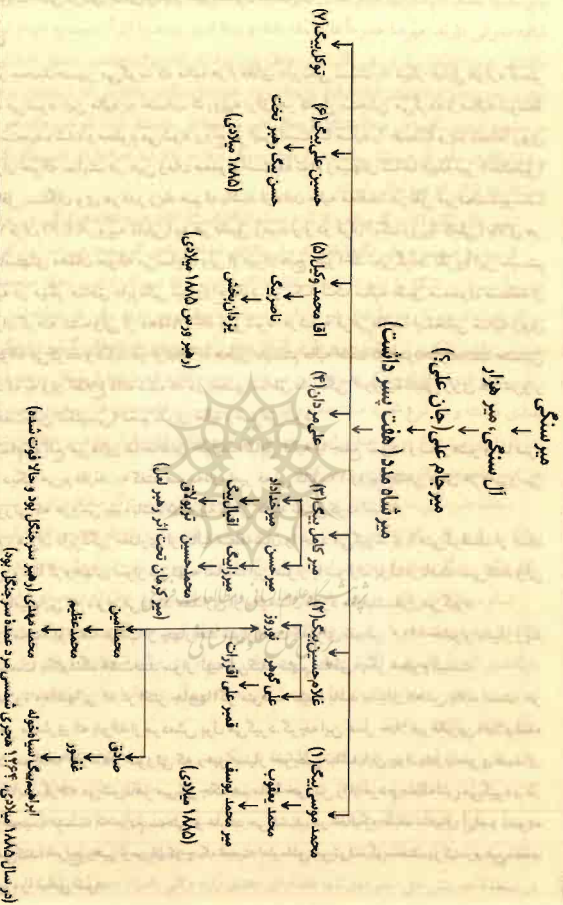
در تمام مواقع میرهای شاخه‌های طوایف قبایل مالیه را جمع نموده و به رهبر و یا فرد مسؤول دیگر می‌پردازند. به گفتهٔ صوبه‌دار، امیر فعلی کابل ۱۰ روپیه کابلی برای هر عروسی و در صورتی که عروس بیوه باشد ۵ روپیه کابلی مالیه تعیین کرده است.

تمام رهبران دایزنگی مقداری از مالیه منطقه‌شان را خود می‌گیرند و یا می‌گرفتند. از آنان توقع می‌رود تا گروه‌های سوار نیز تهیه نمایند. این سوار یا سواران پول دریافت نمی‌کنند ولی فامیل یا فامیل‌هایی که سوار می‌دهند مقداری از مالیه‌شان مورد معافیت قرار می‌گیرد.

گروه محمدیوسف مرکب از چهار صد سوار است که برای نفوس ۱۲۰۰ خانوار بسیار زیاد است، قسمت یکاولنگ هفت صد سوار تهیه می‌کند، سهم مناطق دیگر معلوم نیست.

بر علاوهٔ معاشی که در اکثر جاهها اگر متوقف نشده باشد بسیار کاهش یافته است، هر رهبر به هر مقداری که بتواند از مردمش پول می‌گیرد. گرچه این عمل حلاً غیر قانونی اعلام شده ولی با آن هم ادامه دارد، در صورتی که رهبر بسیار حریص نباشد این پول بدون سر و صدای زیاد و شکایت گرفته می‌شود. هر میر کوچک هم مالیه خودش را از مردم منطقه‌اش می‌گیرد و در مجموع عجیب نیست که مردم سختی و عذاب می‌کشند، در حالیکه طبقهٔ مافوق آرام و آسوده زندگی می‌کند، خراج رهبر و میران کوچک تحت اداره‌اش می‌تواند گوسفند، برک، روغن، غله، پول و غیره را شامل شود.

شجره عمومی رهبران دایزنگی (طایفه بچه غلام)



از جمله قتل فرزند پسر شاه مده، محمد موسی (۱) و علی سردان (۴) برادران تنی از یک سادای و شاید از یک زن طایفه پاشایی تر بودند چون فرزندان آنان را بنام «غور کوزی» یا «سمنه آلوی» یاد می کنند. فرزندان تمام برادران دیگر را در کلان زنی یا «سمنه آلوی» می نامند اما در حال حاضر ۱۸۸۵ (میلادی) ۱۲۴۴ هجری شمسی سیر محمد یوسف پرتوش ترین رهبر دایزنگی پشمار بود.

هزاره‌های دایکندی*

سرزمین دایکندیها

هزاره‌های دایکندی قسمت غربی هزاره‌جات و یا صحیح‌تر بگوییم قسمت شمال غربی هزاره‌جات را در اختیار دارند. در شمالشان دایزنگیهای لعل، کرمان و آقزرات قرار دارند. بند دراکان که حوزه دریای هریرود و آبگیر هلمند است سرحد طبیعیشان را تشکیل می‌دهد، ولی طوری که قبلاً ذکر شد، دایزنگیها از آن گذشته و قسمتی از دره تلخک را در اختیار دارند. بطرف جنوب بند دواکان، دایکندیها تمام سرزمینی را که معاونین یا شاخه‌های بزرگ رود هلمند از آن می‌گذرد و در نزد ما به نام کج (Kaj) یا خودرود (Khud Rud) و کوخر آب (Kokhar-ab) و یا رود اشترلی معروفند، در اختیار دارند. احتمال دارد که قسمت اخیر این رودها و همچنان از رود هلمند در نقشه ما بطور صحیح نشان داده نشده باشد. در واقع سرزمین بین ۳۳ و ۳۴ درجه عرض البلد و بین منطقه بهسود در شرق و منطقه تایمنی در غرب تا اندازه‌ای برای ما ناشناخته است. جغرافیای آن قیاسی بوده و روی معلومات مبهم و نامکمل پایه گذاری شده است. خوشبختانه دفة دار محمداکبر خان یکی از اعضای گروه اطلاعاتی کمیسیون سرحدی افغان در ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) به غربی‌ترین قسمت دایکندی و به امتداد راهی در جنوب حوزه اصلی که راه دیگری غیر از راه اصلی از طریق لعل و دولت یار است، فرستاده شده بود. اگر اکتشاف و معلومات مختصر وی نمی‌بود، معلومات ما کمتر از آنچه می‌بود که حالا داریم.

سرحد شرقی دایکندی برای ما معلوم نیست، ولی امکان دارد که تا سلسله کوه بلند شرق سوخته قول و خودرود Khud Rud ادامه یابد. خودرود مثل اینکه دریایی است که از اتحاد دو رود سوخته قول و اشترلی که در شمال گیزاو به هلمند می‌ریزد، تشکیل می‌شود. در شرق این سلسله کوه، منطقه ورس قرار دارد که قبلاً به آن در بخش دوم اشاره شد.

دره گیزاو در امتداد رود هلمند در اختیار دایکندیها قرار دارد با این استثنا معلوم نمی‌شود آنان در هیچ جای دیگر از دریا گذشته باشند چون ساحل سمت چپ دریا پایین‌تر از گیزاو اختیار دایزنگیهای سه‌پای است، که مستقلند.

به طرف غرب، دایکندیها واضحاً با تایمنیها هم‌سرحدند، سرحدات تایمنیها به تفصیل در راپور تایمنیها در این جلد (شماره ۴، چهار ایماق ذکر گردیده است).^۱ دایکندیها از حوزه اصلی

* جمع‌آوری شده توسط پی. جی. مایتلند Lieutenant-Colonel P.J. Maitland به اساس راپور و معلومات دفة دار محمداکبر خان، مربوط گروه اطلاعاتی، کمیسیون سرحدی افغان، معلوماتی که نویسنده شخصاً جمع‌آوری نموده راپور صوبه دار محمدحسین (۸۶-۱۸۵۵ میلادی ۶۵-۱۲۶۴ هجری شمسی) و همچنان نظر به راپور (Major St. John) مأمور سیاسی قوای ساحه ری‌قندهار و دکتر بریرتون (Dr. Brereton) مربوط قوای ساحه ری‌قندهار. (۱۸۷۹ میلادی مطابق ۱۲۵۸ هجری شمسی)

۱. بخش چهار ایماق در فرصت مناسب ترجمه و نشر خواهد شد. (مترجم)

نزدیک کوتل چپری (Chapri) الی مجاورت سنگان (Sangan) با تایمنیها در تماسند. در اینجا پشتونهای درانی زمین داور قرار دارند که با مغولهای غورات در جنوب شرق و یا دایکندیها در جنوب هم سرحدند. در قدیم تمام دره خود رود و سرزمینی که آب این دریا از آن می‌گذرد به استثنای منطقه سربند آن که متعلق به تایمنی است، در اختیار دایکندیها بود، ولی سالهای زیادی است که آنان توسط درانیها از منطقه سفلی خود رود بیرون کشیده شده‌اند. احتمالاً پشتونها به این پیشرفتشان ادامه می‌دهند.

سرزمین دایکندی نسبت به سرزمین تایمنیها بیشتر کوهستانی معلوم می‌شود گرچه حد اوسط ارتفاع آن زیاد نیست. دره‌ها عمیقتر و سلسله کوههای آن بلندتر و در مجموع صعب‌العبور است. کوهها طبق معمول سنگی نبوده و مانند بقیه هزاره‌جات خاکست. هلمند مانند تمام هزاره‌جات در یک دره عمیق و باریک بین کوههای بلند و گردنه‌های متعدد جریان دارد. گیزاو مستثنی است. در اینجا دره هلمند برای مسافه قابل توجهی نسبتاً باز است زراعت در آن زیاد بوده و نفوس آن هم زیاد است.

رود کوخر آب از منطقه شرقی دایکندی گذشته و تا جایی که اطلاع داریم در دره گیزاو به رود هلمند وصل می‌گردد. برای جغرافیه دانان جای تأسف است که نامهای رودها در هر چند کیلومتر تغییر می‌کند و یا رودها هیچ نام نداشته و به نام دره‌هایی که در آن جریان می‌کند، یاد می‌شود بنابراین در مناطق کاملاً ناشناخته بسیار مشکل است تا جریان یک رود را تعقیب نموده و با از جمله چند نام اسم دره اصلی را از فرعی جدا ساخت. بنابراین باید دانست که نام «کوخر آب» اگر فرض کنیم که درست باشد تنها به قسمت آخرین رود مورد نظر اطلاق می‌شود. آبهای سربند آن رودهای دره تلخک و تربولاک [تربولاق] است که اخیرالذکر آن از شهرک کشته کوتل (افزرات) که راه عمده کابل - هرات از طریق دولت‌پار (راه شماره XIX در زمرة راههای کابل) از آن می‌گذرد، سرچشمه می‌گیرد. تربولاک در دایزنگی است و پایین‌تر از آن تگاونیلی، سگدیز و سوخته قول می‌باشد که در دایکندی قرار دارد. قسمت بالای تلخک مربوط دایزنگی و قسمت پایین آن مربوط دایکندی است. در قسمت قلعه شینیه تخت، جای رهایش رهبر فقید آن، میرحسین بیگ، رودهای فرعی دیگری به کوخر آب وصل می‌شود و وقتی به طرف جنوب دور می‌زند اسم دیگری به خود می‌گیرد که یادداشت نگر دیده است، بعد از فاصله رود جنگو تگاو (Jango Tagao) به آن وصل گردیده و بعد از آن به شاخه تربولاک می‌پیوندد. اشتراکی یکی از مناطق عمده دایکندی، جایی است که این دو رود با هم وصل گردیده و بسیار امکان دارد که اشتراکی خاص در دره رود تربولاک در جنوب سوخته قول باشد. نظر به نقشه لیچ (Leach) خدیر (Khadar) خوشک و تمزان دره‌هایی است که رودهای آن در پایین جریان خود به کوخر آب می‌ریزند. برای اینکه بتوانیم نظری راجع به پخش و تقسیمات قبیله دایکندی

بدست آریم مهم است تا مناطق - تا جایی که امکان دارد - شناخته شود.

کچ رود که عموماً به نام خود رود یاد می‌شود مانند کوخرآب در قسمت آخر جریان آن بدین نام یاد می‌شود. این رود نسبت به کوخرآب طولتر بوده و در مناطق بیشتر این سرزمین جریان دارد که قسمت زیاد این سرزمین مانند غرغره، سیاه چوب (سی چو Sechu) و سنگان مربوط تایمניה است. سرپند کچ رود در منطقه دایکندی نهر دره میر هزار است که رودهای دیگری به نام شینه مقبول یا سای (Sai) و بعد از آن گو جریاش به آن وصل می‌شود. بعد از وصل شدن رود اخیر الذکر به آن این رود از تگاودو غور (Tagao Doghor) که ظاهراً به نام تگاوبندر نیز یاد می‌شود، گذشته و با آب تگاو کریمداد وصل می‌شود. چند کیلومتر پایین تر در جنوب آبهای منطقه سیاه چوب (سی چو) پالا سنگ (Pala Sang) و غیره در سرزمین تایمنی به آن ملحق می‌شود بعد از آن شیخ میران می‌آید که دره اصلی و دره‌های کوچک دیگر را در بر می‌گیرد. پایین تر از شیخ میران دره خودی می‌آید که گمان می‌رود گردنه باشد که رود از کنار آن گذشته و با شیخ میران در قسمت جنوبی آن وصل می‌شود، همچنان امکان دارد که این رود نام خود را از این قسمت گرفته باشد چون دایکندهای شمال آن را در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) نمی‌شناختند. از دره خودی به پایین این رود به نام کچ رود یاد می‌شود. به نظر لیچ (Leach) یمران (Timran) دره باریکی در این قسمت آن است. کچ رود در منطقه معروف به نام چهار شینه می‌ریزد که معنی چهار رود می‌دهد. شاه مشهد (Shah-i-Mashad) که به عقیده سنت جان (St. John) منطقه معروف دیگری است در جنوب چهار شینه قرار دارد و به عقیده این منبع خارج منطقه دایکندی واقع است.

ارتفاع منطقه دایکندی بین ۳۰۳۰ متر در بلندترین منطقه مسکونی مانند سی، زیر بند دواکان [دواخان] تا حدود ۱۵۰۰ متر در چهار شینه است. اقلیم آن به مراتب گرمتر از منطقه لعل و سر جنگل است. به قسمی که می‌گویند و البته دلیلی هم در کار است تمام منطقه جنوب حوزه عمده گرمتر از مناطقی است که در شمال آن و به عین ارتفاع قرار دارد به علاوه دره‌های دایکندی که میلان جنوبی دارند رخ به آفتاب بوده و از باد سرد شمال محظوظند. در این دره‌ها میوه، خربوزه، جواری، برنج لک و تنباکو به علاوه گندم، جو، لوبیا و حبوبات معمول دیگر می‌روید. با وجود اینها زمستان البته در قسمت شمال و مناطق بلندتر این سرزمین بسیار سرد بوده و پنج ماه دوام می‌کند. بطور یقین برف در اوایل قوس شروع به باریدن می‌کند، بعضاً برف وقت تر می‌بارد و تا ماه ثور دوام می‌کند در وسط زمستان ضخامت برف بین دو متر تا دو و نیم متر در قسمت شمال منطقه می‌باشد و تمام راهها مسدود است، ولی شاید برف زیاد در دره گیزاو و دره کچ رود نباشد. اواخر ثور و اوایل جوزا ماه بارانی است. تمام منطقه را گل و لای فرا می‌گیرد. در اواسط جوزا مردم در کوها به بیلاق می‌روند و در آنجا برای مدت چهار ماه باقی مانده و در اواسط

سنبه بر می‌گردند. در دره‌های پایین حاصل در اوایل عقرب ولی در مناطق بلندتر این سرزمین در اواسط عقرب جمع می‌گردد و اکثر اوقات با فرود آمدن برف زودرس حاصل از بین می‌رود. سرزمین دایکندی مانند بقیه هزاره‌جات بدون درخت است راپورهای مبهمی گاهگاهی مبنی بر موجودیت جنگلات بدست می‌آید ولی معلوم می‌شود که اساس واقعی ندارد. از جانب دیگر مقدار زیادی سبزه و چراگاه گوسفند موجود است همچنان در گیزاو و مناطق دیگر باغهای نیز وجود دارد.

در مجموع سرزمین دایکندی به دایزنگی و بهسود شباهت دارد تا به جلگه تایمنی، تمام معلومات دست داشته گویای آن است که سرزمین تایمنی در شرق، جنوب و شمال بطور واضحی مشخص شده و به حوزه کچرود یا خودرود می‌رسد. خواص عمومی دو طرف خط فاصل که هزاره‌ها و تایمنیها را از هم جدا می‌کند بسیار تفاوت دارد.

تعریف گیزاو که توسط یک ملا از اهالی آنجا و یکی از وظیفه‌داران دایکندی و هزاره‌های بابلی (ختای) (Babuli Khatai) در دیدارش از قندهار برای تقدیم احترامات به مقامات انگلیسی در سرطان ۱۸۷۹ میلادی (۱۲۵۸ هجری شمسی) به دکتر بریرتون (Brereton) ارائه شده بود، قرار ذیل است:

«گیزاو دره‌ای است در هلمند علیا که از چهار طرف با کوهها احاطه شده و دارای چهار کوتل است. خوش قول در جنوب، دینا (Dina) (دهان) و گنیر (Wagnir) در شمال که دریای کوخرآب از آن می‌گذرد، دهان قول در غرب و محمدخواجه در شرق و تمام این کوتلها بسیار صعب‌العبور بوده و با اسپان نعل دار عبور از آنها ناممکن است. راه دیگری از جنوب وجود دارد که نسبتاً صعب‌العبور است و به نام دره یاد می‌شود. دریای هلمند دره گیزاو را از شمال به جنوب قطع می‌کند و همچنان دو رود فرعی دیگر در این دره به هلمند وصل می‌شود، یکی آن به نام کوخرآب بوده و شهر گیزاو در نقطه اتصال دو رود اعمار گردیده است. دریای هلمند از دره باریکی به نام شیران به گیزاو داخل شده و از طریق کوتل دهان قول از آن خارج می‌گردد. دوران آب خیزی عرض دریا به هشتصد متر و در اوقات عادی عمق آن به ۱، ۲ متر می‌رسد. خود دره بسیار حاصلخیز و زیبا است که در تمام هزارجات مثل و مانند ندارد. اقلیم آن خوب و نسبت به قندهار سردتر است. نفوس آن بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. شهر عمده آن شهر گیزاو است که ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانه در آن زندگی دارند. حدود سه کیلومتر در شمال شهر، قلعه قرار دارد که محسن خان رهبر گیزاو در آن زندگی می‌کند. شهرهای دیگر (قریه‌ها؟) رباط است که تمام آنها در جنوب دریا که دره را بطور غیر مساویانه تقسیم می‌کند، قرار دارد.

ساکنین گیزاو به زراعت اشتغال داشته و همچنان پارچه راه دار به نام لچه، برک و لنگی با حاشیه ابریشم می‌بافند. پنبه و ابریشم نیز در آنجا تولید می‌شود ولی از تولید ابریشم بخاطر

استفاده از میوهٔ نوت برای خوراک جلوگیری به عمل می‌آید.»

باغهای میوهٔ گیزاو معروفند. گفته می‌شود که در گیزاو درختان خوب چهار مغز وجود دارد و این میوه یکی از اتلام صادراتی درهٔ گیزاو و دره‌های مجاور آن را تشکیل می‌دهد.

به عقیدهٔ محمداکبرخان نفوس گیزاو ۴۰۰۰ خانوار یا حدود ۱۴۰۰۰ نفر است که از آن جمله ۳۰۰۰ فامیل دایکندی، نصف نیکه (Nekah) و نصف محمدخواجه^۱ است. محسن‌خان که قبلاً ذکر نامش صورت گرفت محمدخواجه است ولی از منصب رهبری در سال ۸۴-۱۸۸۳ میلادی (۶۳-۱۲۶۲ هجری شمسی) توسط والی قندهار معزول گردید. یک مأمور مالیه سالانه از قندهار جهت جمع‌آوری مالیات آمده و بعد از آن برمی‌گردد.

نظر به معلومات لیچ (Leach) در حدود ۳۲ کیلومتری شمال گیزاو کوه همواری است که به نام کوه خورد یاد می‌شود. در فوق آن منطقه است که محیط آن بین ۴۸ تا ۶۴ کیلومتر است که تنها از یک جانب قابل صعود می‌باشد. در جلگهٔ فوق سبزه وافر می‌روید که گله‌های زیادی در دوران تابستان در آن به چرا مشغولند. در مجموع کوه خورد باید شبیه چلپ دالان (Chalap Dalan) (چهل ابدالان) در سرزمین تایمنی باشد. (رجوع شود به بخش چهارم راپور چهار ایماق).

تلبوت (Talbot) نقطه‌رانشانی کرده که کوه‌خورد باید در آنجا واقع باشد ارتفاع این نقطه ۳۹۳۹ متر است. ارتفاع گیزاو بین ۲۱۲۱ متر تا ۲۴۲۴ متر باشد.

راهها

در مورد راهها در دایکندی، ما مخصوصاً چیزی نمی‌دانیم. در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ هجری شمسی) دریافت معلومات با ارزش دربارهٔ راههایی که از این منطقه می‌گذرد، ناممکن بوده و عقیدهٔ عمومی بر این بود که تقریباً هیچ راهی وجود ندارد. تنها استثنایی که بطور یقین موجود است راهی است که از قسمت شمال این سرزمین از طریق تلخک، شینیه تخت، غر جورباش و جوی میرهزار می‌گذرد و به طوری که قبلاً تذکر دادیم دفته‌دار محمداکبرخان در آن سفر کرده و این راه دیگری غیر از آن راهی است که از کابل به هرات از طریق دولت‌یار می‌رود. این راه در زمرهٔ راههای «کابل» شمارهٔ XIXB دارد. راه دیگری از گیزاو از طریق اشترتلی و بعد به سنجیتی (Sinjiti) کوتل به شینیه تخت می‌رود. بدون شک راه دیگری از طریق کچرود و شیخ‌میران به غر جورباش و جوی میرهزار وجود دارد. همچنان می‌توان از سنگان در تایمنی نیز به این راه داخل شد. از شینیه تخت و تلخک کوتلهای روی بند دوکان در منطقهٔ لعل

۱. این نامها در قسمت شاخه‌های فرعی قبیلهٔ دایکندی به نظر نمی‌خورد. قبیلهٔ محمدخواجه (رجوع شود به هزاره‌های غزنی) وجود دارد که از اصلیت دای چوپان است امکان زیاد دارد که نفوس هزاره‌های گیزاو مخلوط باشد.

مخصوصاً به کوتل باریکک مستقیماً به قلعه شینیه تخت و اوزگنه جای، منطقه مسکونی میر محمدیوسف رهبر لعل دایزنگی می‌رود. همچنان از شینیه مقبول یا سسی (Sai) راهی از طریق کوهستانات به کیشراو و از آنجا به دولت یار می‌رود.

همچنان راهی از فوق هلمند به گیزاو می‌رود ولی معلوم می‌شود مناطق صعب‌العبوری در سر راه قرار دارد و طبق معمول رودهای عمده در هزاره‌جات از طریق برآمدگیهای کم و بیش غیر قابل عبور می‌گذرد و اجباراً باید از روی کوهها و تپه‌ها عبور کرد. گیزاو از طریق دریا تقریباً غیر قابل وصول است. اینکه آیا راهی در امتداد هلمند در گیزاو علیا موجود است یا نه، شک و تردید وجود دارد و به گمان اغلب چنین راهی موجود نیست.

می‌توان با اطمینان فرض کرد که در صورت علاقه یک گروه با قاطر از طریق دایکندی، لعل و دولت یار می‌تواند عبور کند. اما آنچه که می‌خواهیم بدانیم این است که کدام راه از شرق به غرب می‌رود ولی هیچ اطلاع مثبتی در این زمینه نداریم، نمی‌دانیم چگونه از جانب شرق به گیزاو و هلمند باید رسید، تنها معلومات مبهمی داریم که رسیدن به دریا مشکل است. از جمله راههای غربی که از هلمند به منطقه تایمنی می‌رود تنها راهی که تا حال درباره آن می‌دانیم، از چهار شینیه به تیوره (غور) از طریق مناطق پشتون می‌گذرد، نه مناطق دایکندی.

واقعیت این است که هرگاه عساکر و یا مأمورین پشتون بخواهند از کابل به تیوره بروند، هیچگاه از طریق دایکندی نرفته بلکه همیشه از راه اصلی تا شهرک استفاده نموده و از آنجا به طرف جنوب حرکت می‌کنند.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جمع علوم انسانی